

# نقش واسطه‌ای ارزش‌های شخصی در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی بر اساس رابطه مادر - دختر، اخلاق اسلامی و هوش معنوی دانش‌آموزان دختر شهر اصفهان

دکتر محمد سلطانی‌زاده\* دکتر زهره لطیفی\*\* مهناز افیونی اکبری\*\*\*

## چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای ارزش‌های شخصی در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی بر اساس رابطه مادر - دختر، اخلاق اسلامی و هوش معنوی دختران دبیرستانی شهر اصفهان بود. به همین منظور ۲۰۰ دانش‌آموز دختر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و به مقیاس زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (۲۰۰۶)، مقیاس خویش‌داری جنسی احمدی (۱۳۹۷)، مقیاس بنیان‌های اخلاقی هاید و گراهام (۲۰۰۷) هم‌سو شده با آموزه‌های اسلامی، مقیاس رابطه‌ی والد - فرزندی فاین، مورلند و شو بل (۱۹۸۳) و مقیاس هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد بین رابطه مادر - دختر، اخلاق اسلامی و ارزش‌های شخصی با خویش‌داری جنسی رابطه مستقیم وجود دارد، اما بین هوش معنوی با خویش‌داری جنسی رابطه مستقیم وجود ندارد. همچنین بین اخلاق اسلامی با خویش‌داری جنسی با واسطه‌گری ارزش‌های شخصی رابطه غیرمستقیم وجود دارد، اما رابطه غیرمستقیم هوش معنوی و رابطه مادر - دختر با خویش‌داری جنسی با میانجی‌گری ارزش‌های شخصی معنادار نیست. به نظر می‌رسد، آموزه‌های اخلاق اسلامی از طریق تأثیرگذاری بر ارزش‌ها می‌توانند بر خویش‌داری جنسی مؤثر باشند. اما ارزش‌ها، واسطه تأثیر رابطه مادر - دختر و هوش معنوی بر خویش‌داری جنسی نیستند.

**واژگان کلیدی:** اخلاق اسلامی، ارزش‌های شخصی، خویش‌داری جنسی، رابطه مادر - دختر، هوش معنوی

□ تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۴

□ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۹

\* نویسنده مسئول: استادیار روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران. [soltanizadeh@es.isfpnu.ac.ir](mailto:soltanizadeh@es.isfpnu.ac.ir)  
 \*\* استادیار روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران. [z\\_yalatif@es.isfpnu.ac.ir](mailto:z_yalatif@es.isfpnu.ac.ir)  
 \*\*\* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران. [akbari\\_fs64@yahoo.com](mailto:akbari_fs64@yahoo.com)

دوران نوجوانی دورانی است که با توجه به رشد اندام‌های جنسی و تغییرات هورمونی در انسان با شروع بلوغ<sup>۱</sup>، فرد در بحران جنسی<sup>۲</sup>، درگیر گرایش‌ها و تمایلات، رفتارها و برآورده نمودن نیازهای خود می‌گردد. یکی از اصلی‌ترین غرایز زیستی، غریزه جنسی<sup>۳</sup> است که آمیختگی عمیقی با نیازهای روانی دارد و با ورود به مرحله نوجوانی تمایلات جنسی را در فرد برانگیخته و تأثیر زیادی بر روی رفتار جنسی، عملکرد عاطفی و بهداشت جسمانی او می‌گذارد. چنانچه این غریزه سرکوب گردد یا در ارضاء دچار اختلال و انحراف گردد، فرد را از حالت تعادل و تکامل در می‌آورد (ثابت، ۱۳۸۲).

اگر این غریزه در مسیر حقیقی خود قرار گیرد، بهزیستی دنیا و آخرت انسان تأمین می‌شود، ولی اگر به انحراف کشیده شود، مشکلات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی را برای انسان به وجود می‌آورد. برنامه هدایتی اسلام برای جلوگیری از بروز انحراف در این غریزه تنها در سطح فکری و ایده‌ای نیست، بلکه برای هدایت صحیح بشر در این زمینه، روش‌های اساسی و مؤثری را طرح نموده است (فرزند وحی، موسوی و فتاحی، ۱۳۹۱).

اسلام یک شیوه و مدل اساسی از رفتار جنسی ارائه کرده است. مدل اسلامی رفتار جنسی، یک الگوی رفتار جنسی ایمن و «مصون» است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، مصون‌سازی (احسان) و ایمنی رفتار جنسی به دو شیوه انجام می‌شود. ازدواج و کامیابی جنسی (نکاح) و خویش‌تن‌داری و خودمهارگری (عفاف) (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸). «الاحسان إحصانان: إحصان نکاح و إحصان عفاف» (السیوطی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۴۷۲، ح ۳۰۴۳؛ الهندی، ۱۳۹۷ ق، ج ۵: ۳۳۴، ح ۱۳۱۰۰). از این رو، اسلام یکی از راه‌های مصون‌سازی جنسی خصوصاً در دوره نوجوانی و جوانی را که در عصر حاضر به راحتی شرایط ازدواج میسر نیست، خویش‌تن‌داری جنسی<sup>۴</sup> می‌داند.

خویش‌تن‌داری به معنای حفظ و نگه‌داری و بازداشتن خویش، از خطر است. در فرهنگ اسلام تقوای الهی یعنی خود نگه‌داری و کنترل نفس از امیال و غرایز نفسانی

1. puberty
2. sexual crisis
3. sexual instinct
4. sexual abstinence

که مهم‌ترین آن‌ها غریزه جنسی است (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹). خویش‌داری به معنای توان انتظار کشیدن و قدرت بازداری از خواسته‌هاست (داسول، کویات و تیلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). خویش‌داری جنسی یعنی به تعویق انداختن ارضای میل جنسی تا زمان ازدواج و نیز عدم ارضای غیرشرعی و غیر عرفی آن پس از ازدواج (گلزاری، ۱۳۷۹). از دیدگاه اسلام، مطمئن‌ترین راه برای مصون‌سازی، حفظ عفت و کسب مهارت‌های خودمهارگری است. بنابراین قرآن کریم به کسانی که امکان ازدواج و ارضای مشروع میل جنسی را ندارند، توصیه می‌کند که عفت پیشه کنند: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور، ۳۳).

در زمینه خویش‌داری جنسی پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. به عنوان مثال، باهی، گودسون، نیلاندرز و بلانت<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که باورها، هنجارها و خودکارآمدی عوامل پیش‌بینی‌کننده خویش‌داری جنسی هستند. صابرمجیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد که آموزش گروهی خویش‌داری بر خودکنترلی و خطرپذیری مؤثر بوده و می‌توان از این مداخله برای کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان استفاده کرد. جموت، جموت و فانگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) در تحقیقی نشان داد که آموزش خویش‌داری جنسی به نوجوانان باعث کاهش آیدز و همچنین افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شده است. همچنین تحقیقات نشان داده که ویژگی خودکنترلی، عامل محافظ بسیار قوی در مقابل رفتارهای پرخطر و حفظ سلامت افراد، به‌ویژه در سنین جوانی است، در مقابل خودکنترلی پایین به‌طور قابل توجهی با انواع پیامدهای منفی از جمله سوء مصرف مواد، الکل، بزهکاری، رفتارهای پرخطر جنسی، چاقی و افسردگی رابطه دارد (صدیقیان، بابازاده، اصغری جعفرآبادی و الهوردی‌پور، ۱۳۹۶).

عوامل مختلفی می‌تواند بر خویش‌داری جنسی تأثیرگذار باشد که شناسایی آن‌ها دارای اهمیت است. یکی از این متغیرها رابطه فرزندان با والدین و به‌طور ویژه مادر و دختر در سنین نوجوانی است (شاپیرو و کونی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). کودک نخستین ارتباط خود را با والدین و به‌خصوص مادر آغاز می‌کند. رابطه مادر و دختر به دلایل متعدد برای

1. Doswel, Kouyate & Taylor
2. Buhi, Goodson, Neilands, & Blunt
3. Jemmott, Jemmott & Fong
4. Shapiro & Cooney

دختران از اهمیت زیادی برخوردار است (اونایلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). با توجه به این که در سنین جوانی فرد با چالش‌های زیادی روبرو می‌شود روابط والد - فرزند به خصوص رابطه دختر و مادر اهمیت خاصی می‌یابد. آموزه‌های روایی و اسلامی نیز مبین این اهمیت است (محدث نوری، ۱۴۰۷ ق، ج ۹: ۱۵۲؛ اسراء، ۲۴-۲۳).

رابطه مادر و دختر یکی از پویاترین رابطه‌های خانوادگی است که می‌تواند به ساختن و پرورش عزت‌نفس و خودپنداره دختران کمک کند. نقش مادران در شکل‌گیری هویت و تعارض در دختران بیش از پسران است (شاپیرو و کونی، ۲۰۰۷). رامچاندانی، موریسون، گلد و ایکرز<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به اهمیت نقش مادران به‌عنوان افرادی که انتقال‌دهنده پیام‌ها و اطلاعات زیادی درباره خویشتن‌داری جنسی به نوجوانان خود بودند، اشاره نموده‌اند. لوکر و مگی<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نیز دریافتند ارزش‌ها و نگرش‌هایی که توسط مادران یاد داده می‌شوند، به سیستم ارزشی دختران درونی‌سازی می‌شود. مرعشیان (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش زنان به‌عنوان مادران خانواده در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر نوجوانان پرداخته و نتیجه گرفته است که بی‌توجهی عاطفی والدین به‌ویژه مادر باعث می‌شود که نوجوانان دچار احساس کمبود، بی‌مهری و عدم اطمینان به خود شده و روش‌های منطقی را رها و به تخیلات خود متکی شوند که این احساس ناامنی اضطراب‌آور، منجر به ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر در آنان می‌شود. عامل دیگری که به نظر می‌رسد با خویشتن‌داری جنسی رابطه داشته باشد، اخلاق<sup>۴</sup> است. درباره اخلاق تعاریف زیادی ارائه شده است. اخلاق به‌عنوان تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که به‌عنوان نظامی درونی، بدون آن که نیاز به اهرم‌های بیرونی داشته باشد، قادر است نظام اخلاقی به وجود آورد (الوانی، ۱۳۸۳). اخلاق مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که بیانگر باید‌ها و نبایدهای اخلاقی بوده و نوعی استقلال از شخص در آن‌ها وجود دارد. اصول اخلاقی مانند خوبی، راست‌گویی، دروغ‌گویی و بدی که افراد آن‌ها را از والدین یا آموزگار می‌آموزند، به‌نوعی بر اجتماع تکیه دارد و ابزاری در دست اجتماع است و بر افراد تحمیل می‌شود (فرانکنا<sup>۵</sup>، ۱۹۸۱).

1. Onayli
2. Ramchandani, Morrison, Gold & Akers
3. Looker & Magee
4. Morality
5. Frankena

ارویگ<sup>۱</sup>(۲۰۰۲)، معتقد است ارزش‌های سنتی و الزامات مذهبی می‌توانند این اطمینان عمیق را در فرد به وجود آورند که رفتارشان اخلاقی است. این ارزش‌ها و الزامات تمام جنبه‌های زندگی فرد را در برمی‌گیرد.

اخلاق، امروزه به‌عنوان یک کلیدواژه مهم در رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم دینی، مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و غیره به‌کار می‌رود و هر یک از این رشته‌ها از جنبه‌ای خاص بدان می‌پردازد. زمانی که افراد در تعاملات روزمره خود اصول اخلاقی را در نظر می‌گیرند و به‌عنوان معیاری در روابط خود به آن‌ها رجوع می‌کنند و سعی در انجام رفتار درست دارند، این عامل می‌تواند محافظی در برابر بروز مشکلات باشد. افراد اخلاق-مدار کارآمد هستند و از ارزش‌های فکری خود پیروی می‌کنند، بنابراین کمتر در معرض وسوسه‌ها و تمایلات غریزی از جمله ارضای تمایلات جنسی به شیوه ناصحیح قرار می‌گیرند. در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. پژوهش‌های محققان تعلیم و تربیت نشان داده نوجوانانی که به هر دلیل ارزش‌های اخلاقی را کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این افراد به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهایی که به‌گونه‌ای نادرست هدایت‌شده، تا حد زیادی به عقب‌افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی مرتکب رفتارهای نابهنجار و پرخطر می‌شوند. اخلاق تأثیری عمده بر رفتار، حالات و گفتار و تفکرات انسان دارد (گل‌محمدیان، نعیمی و چوپانی، ۱۳۹۴).

در اخلاق اسلامی، بررسی فضیلتی چون صبر، کرامت، حیا، حزم و عبرت و بالاتر از همه تقوا، رابطه بین خودمهارگری و فضیلت را اثبات می‌کند. به‌عنوان مثال «صبر» خویشتن‌داری در برابر مصیبت، معصیت و عبادت است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۷) و یا «حیا» به درک حضور و نظارت یک ناظر محترم (خداوند متعال) نسبت به اعمال اشاره دارد (پسندیده، ۱۳۸۸). در این حالت افراد در انجام امور قبیح یا ترک اعمالی که از آن‌ها خواسته شده، بازدارندگی خواهند داشت. در نهایت شاید «تقوا» را به‌جای آنکه یک فضیلت خاص در نظر گرفته شود، باید آن را سرمنشأ تمام فضیلت‌ها تلقی کرد. از بررسی آیات، روایات و آثار اندیشمندان اسلامی چنین بر می‌آید که اساس مهار نفس،

در مفهومی تحت عنوان «تقوا» تجلی یافته است. این مهار نفس مطلق نیست، بلکه به انگیزه‌های الهی و تقرب به خداوند متعال مقید است. از این رو می‌توان به این نتیجه رسید که علاوه بر ارتباط اخلاق و دین، خودمهارگری نیز نه تنها با دین و اخلاق ارتباط دارد، بلکه هسته فضایل اخلاقی خواهد بود؛ به گونه‌ای که تقویت دین‌داری انسان‌ها به ارتقای نیروی خودمهارگری آن‌ها می‌انجامد و از قبل آن، رفتار فضیلت‌مندانه برخاسته از اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی پرورش خواهد یافت (رفیعی هنر، ۱۳۹۲).

در حوزه روان‌شناسی، پژوهش‌های اندکی به بررسی رابطه اخلاق با خویش‌داری جنسی خصوصاً در ایران پرداخته‌اند. به عنوان مثال، پژوهش غنی، عبدالله، سیدآکیل و نوردین<sup>(۲۰۱۴)</sup> در کشور مالزی نشان داد که ارتباط منفی معناداری بین ارزش‌های اخلاقی اسلامی و الگوهای رایج رفتاری متداول در بین نوجوانانی که درگیر ارتباطات جنسی قبل از ازدواج شده‌اند وجود دارد. گرچه این پژوهش به بررسی اخلاق و رفتارهای جنسی نوجوانان پرداخته است، با این حال پژوهشی که رابطه اخلاق را با خویش‌داری جنسی نشان دهد، به دست نیامد.

هوش معنوی<sup>۲</sup> از عوامل دیگری است که با خویش‌داری جنسی رابطه دارد. هوش معنوی شامل حس معنا داشتن، مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی و درک متعادل از ارزش ماده و بهتر شدن زندگی است. به واسطه هوش معنوی می‌توان به مشکلات، معنا و ارزش بخشید و به حل آن‌ها پرداخت و با استفاده از آن می‌توان کیفیت زندگی را در بافتی که از لحاظ معنادهی غنی‌تر و وسیع‌تر است، قرار داد و به کمک آن می‌توان سنجید که یک روش و یا یک راه زندگی از دیگر راه‌ها و روش‌ها، با معناتر و هدفمندتر است (زوهر و مارشال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد استفاده می‌کند (سیسک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). هوش معنوی بنا به تعریف آمرام<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، نوعی توانایی است که باعث خودآگاهی، خودکنترلی، درک عمیق از معنای زندگی، هدفمندی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و سلامت روان می‌شود.

1. Ghani, Abdullah, Syed Akil & Nordin
2. Spiritual intelligence
3. Zohar & Marshal
4. Sisk
5. Amram

با توجه به خلأهای باطنی و اخلاقی در جوامع امروزی و نیز دل‌مشغولی همیشگی بشریت به معنای زندگی، طرح معنویت یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه برای ایجاد پیوند میان ارزش‌های دنیای سنتی و دنیای نوین در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه هوش معنوی را شامل: «خودآگاهی، خودانگیزگی، ارزش‌مداری و چشم‌اندازمحوری، کل‌نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، تمایل به طرح چراهای بنیادی، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها و احساس رسالت» تعبیر می‌کنند (گل‌محمدیان و همکاران، ۱۳۹۴).

برخی پژوهش‌ها نیز رابطه بین هوش معنوی و خویش‌داری جنسی را مورد بررسی قرار دادند. ایزدآبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با خویش‌داری جنسی پرداخت و به این نتیجه رسید که بین عوامل خود‌انگیزی، خودآگاهی و خودکنترلی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی از متغیر خویش‌داری جنسی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین عوامل تفکر کلی و بعد اعتقادی و پرداختن به سجایای اخلاقی با مؤلفه‌های خویش‌داری جنسی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همچنین عابدینی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی باعث افزایش خویش‌داری جنسی در دانشجویان پسر دانشگاه تهران شد. هولدر، دورانت، هریس، دنیل، عبیدالله و گودمن (۲۰۰۰) در پژوهش خود دریافتند که پیوستگی معنوی خصوصاً پیوستگی معنوی با دوستان، با انجام فعالیت‌های جنسی اختیاری رابطه منفی دارد.

عامل مؤثر دیگر در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی ارزش‌های شخصی<sup>۲</sup> است. ارزش در لغت به معنای اهمیت مادی یا معنوی چیزهاست. از نظر مفهومی ارزش یک هدف اجتماعی است که دست یافتن به آن مطلوب است (مشیری، ۱۳۷۷). در تعریف ارزش می‌توان گفت که ارزش عبارت است از بار معنایی خاص که انسان به برخی اعمال، پاره‌ای حالت‌ها و بعضی پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل است. ادراک ارزش‌ها از ادراک واقعیت‌ها متمایز است،

1. Holder, DuRant, Harris, Daniel, Obeidallah & Goodman
2. Personal values

یعنی ذهن انسان وقتی ارزش را درک می‌کند گویی به چیزی علاوه بر ادراک واقعیت‌ها آگاهی یافته است که بر اساس احساس‌ها، شناخت‌ها، نیازها، علاقه‌ها و اعتقادات و حتی فرهنگ‌های اجتماعی شکل گرفته و سپس به آن واقعیت نسبت داده شده است. ارزش‌ها دارای سلسله ضوابط و آثار خاصی اند که به میزان طرح آن‌ها در بخش‌های مختلف معرفت بشر و آنچه آدمی با آن سروکار دارد، ممکن است مختلف باشند (حسینی، ۱۳۸۵). ارزش به آن چیزی اطلاق می‌شود که رفتار انسان را در یک فرهنگ خاص هدایت می‌کند و برای رسیدن به یک هدف معین قابل احترام و مطلوب است. ارزش‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند (گلاز، ۲۰۱۲). ارزش از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۵). ارزش‌ها به عنوان اهداف انگیزشی مطلوب‌اند که در تمامی موقعیت‌ها، راهنمای طرز برخورد و رفتارها هستند.

ارزش‌ها تمایلات غالب، یا فلسفه‌های زندگی هستند که به تلاش افراد جهت می‌دهد (بات و نایکو، ۲۰۱۶). وجود ارزش‌ها از جمله ارزش اخلاقی در زندگی انسان امری بدیهی است و انسان خواه‌ناخواه در زندگی با بایدها و نبایدها، ضرورت‌ها و به عبارت دیگر امر و نهی‌ها و خوب و بد‌ها سروکار دارد. مفهوم ارزش به حالتی عقلانی وجدانی اشاره می‌کند که می‌توان آن را در وجود افراد یا گروه‌ها یا جوامع از طریق چند نمود، بازشناخت. این نمودها عبارت است از: اعتقادات، اهداف، میل‌ها و گرایش‌ها، آرمان‌ها و رفتارها. این حالت عقلانی وجدانی صاحب خود را وادار می‌سازد آزادانه و آگاهانه، پیوسته مجموعه‌ای مشخص از فعالیت‌های انسانی را که در آن پندار و گفتار با یکدیگر سازگار است، انتخاب کند و آن‌ها را بر دیگر فعالیت‌های ممکن ترجیح دهد (شریفی‌نیا، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های اندکی به بررسی ارتباط بین ارزش‌ها با رفتارهای جنسی و اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای جنسی پرداخته‌اند. ما، مالکوم، دیاز-آلبرتینی، کلینف، لیدر، بارینتوس و کیبلر (۲۰۱۴) در پژوهشی نتیجه گرفتند که ارزش‌های فرهنگی آمریکای لاتین می‌تواند به‌عنوان عامل محافظتی در برابر خطر جنسی در میان جوانان آمریکای

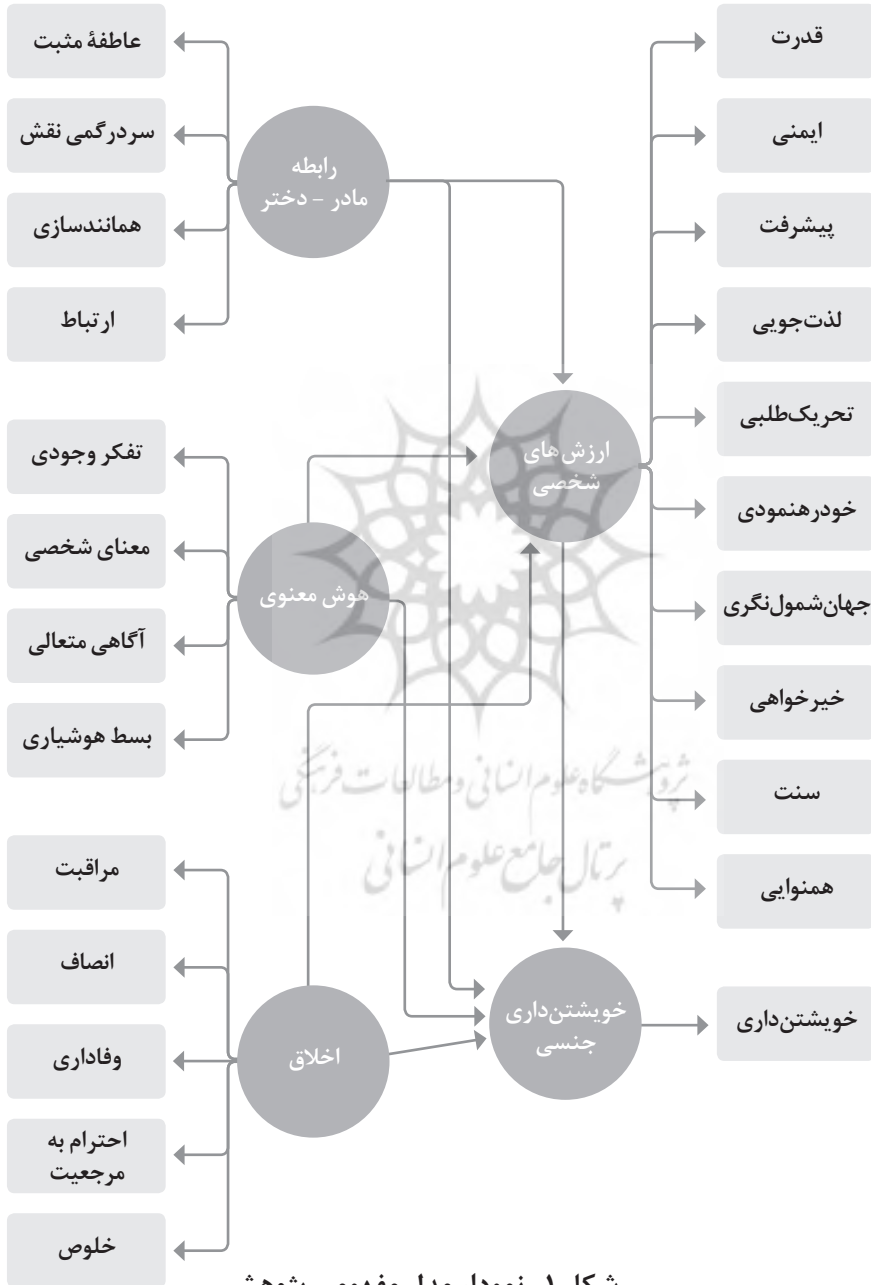
1. Glaz
2. Bhat & Naikoo
3. Ma, Malcolm, Diaz-Albertini, Klinoff, Leeder, Barrientos & Kibler



لاتین عمل کند. همچنین لانگ میدلتون، برک، لارنس، بلانچارد، آمودالا و رانکین (۲۰۱۳) در پژوهشی که به شناخت انگیزه‌های جنسی در میان دختران نوجوان پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که عواملی از قبیل آمادگی شخصی، ترس و باورها و ارزش‌ها از انگیزه‌های مهم خویش‌داری جنسی می‌باشند.

با توجه به مطالب گفته‌شده، به نظر می‌رسد بر اساس آموزه‌های اسلامی یکی از مؤلفه‌های مهم در مصون‌سازی رفتار جنسی و در نتیجه سلامت جامعه اسلامی خویش‌داری جنسی است. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی<sup>۲</sup> تقریباً سالانه ۱۶ میلیون دختر ۱۹-۱۵ ساله و ۲/۵ میلیون دختر زیر ۱۶ سال در کشورهای در حال توسعه باردار می‌شوند. در هر سال ۳/۹ میلیون دختر ۱۹-۱۵ ساله اقدام به سقط غیر ایمن می‌کنند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸). بر این اساس، نوجوانان دختر یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه در زمینه مسائل جنسی هستند و بیشتر می‌توانند در معرض آسیب و سوءاستفاده‌های جنسی قرار بگیرند. با توجه به این که سلامت جامعه و کمال انسان در اسلام از اهمیت بنیادینی برخوردار است و شناخت عوامل مرتبط با خویش‌داری و دارا بودن فضایل اخلاقی مستلزم شناخت تعارضات و مسائل مرتبط با آن است و یکی از آسیب‌زاترین رفتارهای پرخطر نبود خویش‌داری جنسی در نوجوانان است، در تبیین خویش‌داری جنسی نوجوانان باید متغیرهای روانشناسی اسلامی همچون معنویت، اخلاق و ارزش‌های شخصی و روابط خانوادگی (مادر و دختر) را در نظر گرفت. گرچه روابط مادر و دختر، اخلاق و هوش معنوی می‌تواند بر خویش‌داری جنسی مؤثر باشد، با این حال به نظر می‌رسد ارزش‌هایی که خود فرد انتخاب کرده و برای او اهمیت دارد، واسطه این رابطه قرار می‌گیرد. پژوهش‌های اندکی در زمینه خویش‌داری جنسی نوجوانان در این دوره حساس زندگی انجام شده است؛ خصوصاً اینکه ارائه مدل‌های علی برای شناسایی عوامل مؤثر بر خویش‌داری جنسی ضرورتی غیرقابل انکار است، ولی تاکنون چنین پژوهشی در ایران انجام نشده است. لذا هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای ارزش‌های شخصی در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی بر اساس رابطه مادر- دختر، اخلاق و هوش معنوی در قالب یک

مدل علی است که مطابق با آنچه ذکر شد و براساس ادبیات نظری و تجربی، این مدل در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- نمودار مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

طرح پژوهش از نوع توصیفی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم دبیرستان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ شهر اصفهان (رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال) بودند. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۰۰ نفر از این دانش‌آموزان بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به این صورت که از بین نواحی آموزش و پرورش اصفهان، ناحیه یک به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین مدارس مقطع متوسطه دوم دبیرستان این ناحیه دو مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر مدرسه تعداد ۱۰۰ نفر دانش‌آموز دختر به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مدل‌یابی معادلات ساختاری، حجم شرکت‌کنندگان کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم‌های بالاتر از ۲۰۰ بسیار مطلوب است (قاسمی، ۱۳۹۰). در این پژوهش تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز برای حجم شرکت‌کنندگان کافی بود.

## ابزار جمع‌آوری اطلاعات

۱. پرسش‌نامه خویش‌داری جنسی: این پرسش‌نامه توسط احمدی (۱۳۹۶) طراحی و ساخته شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۸ گویه است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه به صورت به‌هیچ‌وجه (۰)، برخی اوقات (۱)، بیشتر اوقات (۲) و همیشه (۳) است. گویه‌های معکوس این پرسش‌نامه شامل: ۱، ۴، ۷، ۱۶، ۱۷، ۲۲ است. در این پرسش‌نامه، نمره بالا نشانه خویش‌داری جنسی کم و نمره پایین نشانه خویش‌داری جنسی زیاد است. جهت تحلیل ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه، از پایایی به روش آلفای کرونباخ، روایی همگرا و تحلیل عامل اکتشافی استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده این بود که پرسش‌نامه مذکور دارای اعتبار همگرا و سازه است و همچنین روایی محتوایی و صوری این پرسش‌نامه توسط سه نفر از متخصصان روانشناسی تأیید شد. پایایی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بود (احمدی، ۱۳۹۷). در این پژوهش همبستگی نمرات خویش‌داری جنسی با هوش معنوی، اخلاق و ارزش‌های شخصی معنادار بود که حاکی از روایی همگرای این پرسش‌نامه است. پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Sexual Abstinence Questionnaire

## ۲. پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ<sup>۱</sup> (SISRI): این پرسش‌نامه توسط کینگ (۲۰۰۸)

طراحی و ساخته شد و دارای ۲۴ گویه و چهار زیرمقیاس دارد که توانایی‌های مربوط به هوش معنوی را در چهار بعد اصلی ارزیابی می‌کند. هر چه فرد در این پرسش‌نامه نمره بالاتری بگیرد، دارای هوش معنوی بیشتری است. شیوه نمره‌دهی این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بوده که از گزینه کاملاً نادرست (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۵) امتیازبندی شده است. البته این شیوه نمره‌گذاری در مورد گویه شماره ۶ معکوس می‌شود. این پرسش‌نامه دارای ۴ خرده مقیاس به نام‌های ۱- تفکر انتقادی وجودی<sup>۲</sup> (گویه‌های ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱)، ۲- تولید معنای شخصی<sup>۳</sup> (گویه‌های ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳)، ۳- آگاهی متعالی<sup>۴</sup> (گویه‌های ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۲) و ۴- بسط حالت هوشیاری<sup>۵</sup> (گویه‌های ۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۴) است.

در پژوهش رقیب، سیادت، حکیمی‌نیا و احمدی (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شد و روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت. برای برآورد روایی همگرا از پرسش‌نامه تجربه معنوی غباری‌بناب، غلامعلی‌لواسانی و محمدی (۱۳۸۴) به‌طور هم‌زمان استفاده شده که ضرایب همبستگی این دو پرسش‌نامه ۰/۶۶ به دست آمده است. برای محاسبه روایی سازه مقیاس از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول استفاده شد. نتیجه‌های به دست آمده نشان داد که این مقیاس ابزاری پایا برای سنجش هوش معنوی است و با توجه به روایی و پایایی مناسب، آن را می‌توان در محیط‌های آموزشی و پژوهشی مانند دانشگاه استفاده نمود (رقیب و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین، در پژوهش جامعی و ایزدی (۱۳۹۵) روایی این پرسش‌نامه با روش محتوایی توسط صاحب‌نظران و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شده است. با توجه به شکل ۲ مقادیر بارهای عاملی استخراج شده برای مؤلفه‌های این پرسش‌نامه همگی بالاتر از ۰/۴ و حاکی از روایی همگرای این ابزار است. همچنین، شاخص دیگر جهت ارزیابی روایی

1. Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI)

2. critical existential thinking

3. personal meaning production

4. transcendental awareness

5. conscious state expansion

همگرا، متوسط واریانس استخراج شده<sup>۱</sup> (AVE) است که مقادیر بیشتر از ۰/۵ برای هر متغیر دلالت بر روایی همگرای مناسب دارد. مقدار این شاخص برای این پرسش‌نامه ۰/۶۶ به دست آمد. در این پژوهش پایایی پرسش‌نامه هوش معنوی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و با شاخص پایایی ترکیبی<sup>۲</sup> (CR) ۰/۸۸ محاسبه شد.

۳. پرسش‌نامه زمینه‌یاب ارزشی شوارتز<sup>۳</sup> (SVS): این پرسش‌نامه توسط شوارتز (۲۰۰۶) ساخته شد و شامل ۵۷ ماده ارزشی منفرد است که برای مجسم کردن ۱۰ سازه ارزشی متمایز انگیزشی انتخاب شده‌اند. ارزش‌های زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در سطح دو مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند:

۱. فهرست ارزش‌های غایی (۳۰ ارزش)
۲. فهرست ارزش‌های ابزاری (۲۷ ارزش). این پرسش‌نامه شامل ۱۰ خرده‌مقیاس است که عبارت‌اند از:

- ۱) قدرت (شامل ارزش‌های قدرت اجتماعی، ثروت، اقتدار)
- ۲) پیشرفت (شامل ارزش‌های احترام به خود، بلندمرتبه جویی، بانفوذ بودن، توانایی، هوشمندی، موفقیت)
- ۳) لذت‌جویی (شامل ارزش‌های لذت، زندگی لذت‌بخش، خوش‌گذرانی)
- ۴) برانگیختگی (شامل ارزش‌های زندگی مهیج، زندگی متنوع، تهور)
- ۵) خود رهنمودی (شامل ارزش‌های آزادی، خلاقیت، خلوت، استقلال، انتخاب شخصی هدف‌های خود، کنجکاوی)
- ۶) جهان‌شمول‌نگری (شامل ارزش‌های برابری، صلح جهانی، یگانگی با طبیعت، خرد، جهان زیبا، عدالت اجتماعی، وسعت نظر، حفاظت از محیط‌زیست)
- ۷) خیرخواهی (شامل ارزش‌های وفاداری، صداقت، یاری‌گری، مسئولیت‌پذیری، بخشایندگی)
- ۸) سنت‌گرایی (شامل ارزش‌های احترام به سنت، تواضع، پذیرش سهم خود از زندگی، مؤمن بودن)

1. Average Variance Extracted(AVE)
2. Composite reliability(CR)
3. Schwartz Value Scale(SVS)

۹) همنوایی (شامل ارزش‌های ادب، خود انضباطی، احترام به والدین و بزرگ‌ترها، فرمان‌برداری)  
 ۱۰) ایمنی (شامل ارزش‌های حس تعلق خاطر، جبران محبت‌های دیگران، امنیت خانوادگی، تندرستی، پاکیزگی).

آزمودنی ارزش‌های خود را در این مقیاس به ترتیب درجه اهمیت، به صورت نمره ۷ (دارای اهمیت فوق‌العاده است)، نمره ۶، ۵ و ۴ (خیلی مهم است)، نمره ۳ و ۲ (مهم است)، نمره ۱ و ۰ (مهم نیست) و نمره ۱ (مخالف با ارزش‌های من است) نمره‌گذاری می‌کند. محدودیت زمانی برای پاسخ به آن وجود ندارد و می‌تواند به صورت فردی یا گروهی اجرا شود (دلخמוש، ۱۳۸۵).

پایایی این آزمون در شش کشور بررسی شد که آلفای به دست آمده در خرده مقیاس‌های فوق به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۳۷، ۰/۴۸، ۰/۶۴، ۰/۵۰، ۰/۷۶، ۰/۷۹، ۰/۵۲، ۰/۵۳ و ۰/۵۷ بود (شوارتز، ۲۰۰۶). در مطالعه اشمیت، شوارتز، استایر و اشمیت<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) اعتبار پرسش‌نامه زمینه‌یاب ارزشی شوارتز با استفاده از روش باز آزمون تأیید شد. به‌گونه‌ای مشابه، ضریب پایایی این پرسش‌نامه در یک نمونه ایرانی (مشمول بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر) از طریق روش باز آزمون به فاصله دو هفته مورد تأیید قرار گرفت (دلخמוש، ۱۳۸۵). همچنین ضریب پایایی در پژوهشی که در ایران توسط دلخמוש و احمدی‌مبارکه (۱۳۹۱) با استفاده از روش آلفای کرونباخ انجام شد برابر ۰/۹۶۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی ارزش‌های شخصی ۰/۸۴ و با استفاده از شاخص پایایی ترکیبی ۰/۸۸ محاسبه شده است. همچنین، روایی همگرا با شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده برای این پرسش‌نامه ۰/۵۵ به دست آمد.

۴. پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی<sup>۲</sup> (MFQ-30): جهت سنجش متغیر اخلاق از مقیاس بنیان‌های اخلاقی هاید و گراهام<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) استفاده شد. این پرسش‌نامه با ادبیات تربیت اسلامی همسو شده است. این مقیاس مشتمل بر ۳۲ گویه است و به ارزیابی و سنجش ابعاد پنج‌گانه اخلاق شامل ۱. بعد مراقبت/آسیب (گویه‌های ۱، ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۲۸).

1. Schmitt, Schwartz, Steyer & Schmitt  
 2. Moral Foundations Questionnaire (MFQ)  
 3. Haidt & Graham

۲. بعد انصاف (عدالت) (گویه‌های ۲، ۱۳، ۱۸، ۲۴، ۲۹). ۳. بعد وفاداری به گروه (گویه‌های ۳، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۵، ۳۰). ۴. بعد احترام به مرجعیت (گویه‌های ۴، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۳۱). ۵. بعد خلوص (پاکی) (گویه‌های ۵، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۷، ۳۲) می‌پردازد. این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است که گویه‌های بخش اول از سؤال ۱ تا ۱۶ به صورت یک مقیاس ۶ درجه‌ای از اصلاً مهم نیست (۰)، خیلی مهم نیست (۱)، اندکی مهم است (۲)، مقداری مهم است (۳)، خیلی مهم است (۴) تا به شدت مهم است (۵) نمره‌گذاری می‌شود و گویه‌های بخش دوم از سؤال ۱۷ تا ۳۲ به صورت مقیاس ۶ درجه‌ای به شدت مخالفم (۰)، به مقدار متوسط مخالفم (۱)، کمی مخالفم (۲)، کمی موافقم (۳)، نسبتاً موافقم (۴) تا به شدت موافقم (۵) پاسخ داده می‌شود. همچنین گویه ۶ در بخش اول و گویه ۲۲ در بخش دوم این پرسش‌نامه جهت مشخص کردن روایی پاسخ آزمودنی‌ها است و نمره‌گذاری نمی‌شود.

پایایی خرده مقیاس‌های این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ از ۰/۶۵ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. همان‌طور که ضرایب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد **MFQ-30** در ۵ بعد دارای همسانی درونی مناسبی است. همبستگی پیرسون برای هر بعد عبارت بود از: ۰/۷۱ بعد مراقبت و آسیب، ۰/۶۸ بعد انصاف، ۰/۶۹ بعد وفاداری به گروه، ۰/۷۱ بعد احترام به مرجعیت و ۰/۸۲ بعد اخلاص. همچنین در پژوهش خرمایی و زارعی منوجان (۱۳۹۵) پایایی به روش تصنیف برای کل مقیاس بنیان اخلاقی ۰/۶۳ و ۰/۶۲، برای خرده مقیاس‌های مراقبت / آسیب به ترتیب ۰/۵۸ و ۰/۶۱، انصاف ۰/۵۹، وفاداری به گروه ۰/۶۵، احترام به مرجعیت ۰/۵۳ و خلوص ۰/۵۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر همسویی گویه‌های این پرسش‌نامه با اخلاق اسلامی توسط دو نفر از متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی و دو نفر از متخصصان معارف اسلامی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، روایی همگرای این پرسش‌نامه با شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده ۰/۶۱ و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و با استفاده از شاخص پایایی ترکیبی ۰/۸۷ به دست آمد.

۵. پرسش‌نامه رابطه والد- فرزند<sup>۱</sup> (PCRS): این پرسش‌نامه توسط فاین، مورلند و شوبل<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) با هدف سنجیدن کیفیت روابط والد- فرزند ساخته شده است و از ۲۴ گویه تشکیل شده است. این مقیاس دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر

1. Parent- Child Relationship Scale(PCRS)

2. Fine, Moreland & Schwebel

و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. در این پژوهش از نسخه رابطه با مادر استفاده شد. مؤلفه‌های نسخه رابطه با مادر شامل عاطفه مثبت مادرانه (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۱۵ تا ۲۴)، آزدگی / سردرگمی نقش (گویه‌های ۹ و ۱۴)، همانندسازی / تعیین هویت (گویه‌های ۱۳، ۲۳، ۲۴) و ارتباط یا گفت‌وشنود مادرانه (گویه‌های ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷) است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت از تقریباً هیچ (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۷) می‌باشد. حداقل امتیازی که فرد در این پرسش‌نامه کسب می‌کند ۲۴ و حداکثر ۱۶۸ می‌باشد. نمره بین ۲۴ تا ۴۸ نشان‌دهنده رابطه والد فرزند ضعیف و بین ۴۸ تا ۹۶ رابطه والد فرزند متوسط و نمره بالاتر از ۹۶ کیفیت رابطه والد فرزند قوی است.

مقیاس رابطه والد-فرزندی روایی و پایایی دارد و با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد. این ضرایب آلفا را سازندگان مقیاس با اجرای پرسش‌نامه بر ۲۴۱ دانشجوی به دست آورده‌اند. در پژوهشی که پرهیزگار، محمودینا و محمودی (۱۳۸۸) انجام داده است ضرایب پایانی محاسبه شده برای پرسش‌نامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است. در این پژوهش روایی همگرای نسخه روابط با مادر این پرسش‌نامه با شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) ۰/۷۴ و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ با استفاده از شاخص پایایی ترکیبی ۰/۹۲ به دست آمد.

## روش تجزیه و تحلیل

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، شامل دو بخش توصیفی و استنباطی است که در بخش آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه گردید. در بخش آمار استنباطی، ابتدا نرمال بودن داده‌ها بررسی شد؛ سپس همبستگی بین متغیرها اندازه‌گیری شد و در نهایت به منظور بررسی مدل مفهومی پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری با کمک نرم افزار SmartPLS-3 استفاده شد. به منظور بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها، در سه بخش روایی همگرا (شاخص‌های بارهای عاملی و متوسط واریانس استخراج شده)، روایی ممیز (جدول فورنل لارکر) و پایایی (شاخص‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ) متغیرهای اندازه‌گیری شده در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که همگی مورد تأیید قرار گرفتند.



## یافته‌های پژوهش

این قسمت شامل یافته‌های پژوهش بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی و تحلیل‌های استنباطی است. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی ابعاد متغیرهای پژوهش

متغیرها	ابعاد	میانگین	انحراف معیار
رابطه مادر - دختر	عاطفه مثبت	۱۲/۰۰	۲/۴۴
	آزردگی/سردرگمی نقش	۵/۷۴	۱/۳۲
	هماندسازی	۴/۵۶	۱/۵۱
	ارتباط / گفت‌وشنود	۵/۴۱	۱/۲۹
هوش معنوی	تفکر وجودی انتقادی	۲۴/۱۷	۵/۲۲
	تولید معنای شخصی	۱۸/۱۲	۳/۳۶
	آگاهی متعالی	۲۲/۳۵	۴/۴۴
	بسط حالت هشیاری	۱۴/۷۵	۳/۹۱
اخلاق	مراقبت / آسیب	۲۰/۵۳	۵/۱۳
	انصاف/عدالت	۲۳/۱۶	۴/۶۱
	وفاداری به گروه	۱۹/۱۸	۴/۹۴
	احترام به مرجعیت	۱۵/۳۰	۴/۷۲
	خلوص / پاکی	۲۰/۵۷	۵/۶۵
ارزش‌های شخصی	قدرت	۵/۰۸	۲/۴۳
	ایمنی	۶/۳۲	۱/۶۳
	پیشرفت	۵/۷۰	۱/۰۳
	لذت‌جویی	۵/۳۳	۲/۴۷
	تحریک طلبی	۵/۳۴	۲/۴۰
	خود رهنموددهی	۵/۷۶	۱/۰۴
	جهان‌شمول‌نگری	۵/۵۷	۱/۳۷
	خیر خواهی	۵/۷۰	۱/۰۲
	سنت	۵/۵۶	۱/۴۷
خویش‌داری جنسی	هم‌نوایی	۵/۸۶	۱/۰۱
		۲۱/۷۵	۱۰/۵۸

جدول ۲ نتایج بررسی فرض نرمال بودن نمرات متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از تأیید این پیش فرض است.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف K-S

متغیر	آزمون K-S	سطح معناداری
رابطه مادر- دختر	۰/۱۱	۰/۹۰
هوش معنوی	۰/۰۴	۰/۲۰
اخلاق	۰/۱۰	۰/۱۳
ارزش شخصی	۰/۰۹	۰/۱۵
خویشن‌داری جنسی	۰/۰۷	۰/۲۰

از آنجا که یکی از مفروضات استفاده از روابط علی عدم وجود رابطه هم خطی چندگانه بین متغیرهاست، ضرایب همبستگی بین متغیرهای به کار رفته در پژوهش، قبل از انجام تحلیل‌ها محاسبه شد. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای به کار رفته در پژوهش نشان داد تمامی همبستگی‌ها مقادیری کمتر از ۰/۷ داشتند، بنابراین وجود رابطه خطی مشترک چندگانه بین متغیرها رد شد.

جدول ۳. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
رابطه مادر- دختر					
هوش معنوی	۰/۰۷	۱			
اخلاق	۰/۱۹***	۰/۳۶***	۱		
ارزش شخصی	۰/۰۸***	۰/۳۵***	۰/۲۹***	۱	
خویشن‌داری جنسی	۰/۲۲***	۰/۱۶*	۰/۲۴***	۰/۳۳***	۱

یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری، تجزیه و تحلیل چند متغیره است؛ زیرا ماهیت این گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی‌توان آن‌ها را با شیوه دو متغیری حل نمود. در پژوهش حاضر برای تأیید یا رد فرضیات از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار SmartPLS-3 استفاده شد. این نرم افزار جهت تحلیل مدل از روش حداقل مربعات جزئی<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. امروزه روش حداقل مربعات جزئی مورد توجه محققان قرار گرفته است و می‌توان گفت یکی از جدیدترین رویکردهای مدل معادلات ساختاری روش حداقل مربعات جزئی است. این روش واریانس محور است و برای مقابله با مشکلات داده‌های خاص مانند حجم اندک داده‌ها، وجود داده‌های گم شده<sup>۲</sup>، نرمال نبودن داده‌ها، تحلیل متغیرهای تک بعدی و بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل طراحی شده است و نتایج مشابه نرم افزارهای کوواریانس محور از جمله لیزرل و ایموس برای تخمین مدل ایجاد می‌کند.

### بررسی شاخص کیفیت مدل و سطح پذیرش آن

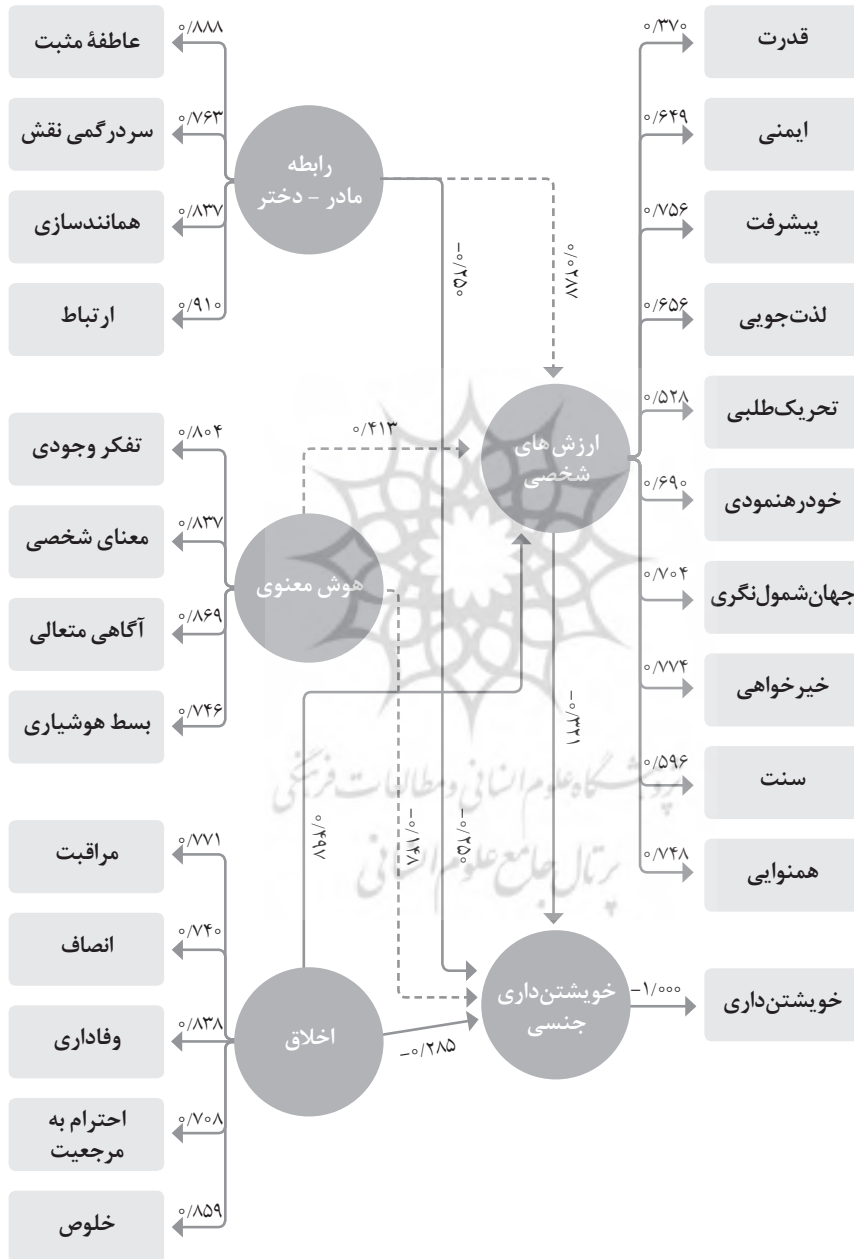
در این پژوهش از شاخص SRMR، به منظور ارزیابی کل مدل، شامل مدل درونی ساختاری و مدل‌های بیرونی اندازه‌گیری استفاده شده است و مقادیر کمتر از ۰/۰۸ برای این شاخص مطلوب تلقی می‌گردد. در این پژوهش مقدار SRMR در خروجی مدل ۰/۰۶۹ گزارش شده است که برازش مناسب مدل اندازه‌گیری و ساختاری را نشان می‌دهد؛ که با توجه به برازش مطلوب داده‌های تجربی با مدل نظری پژوهش در ادامه به بررسی مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است.

### بررسی مدل مفهومی پژوهش

برای بررسی مدل مفهومی پژوهش از مقادیر ضرایب مسیر<sup>۳</sup> و مقادیر معناداری استفاده شد. در مورد مقادیر معناداری که از اهمیت زیادی در تفسیر نتایج برخوردارند، معمولاً چنانچه در رابطه‌ای مقدار آماره  $t$  بیش از ۱/۹۶ باشد در سطح خطای ۰/۰۵ و چنانچه از ۲/۵۸ بزرگ‌تر باشد در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشند. همچنین با توجه به خروجی آزمون تأثیر متغیرها بر هم در حالت تخمین ضرایب استاندارد، عدد داخل متغیرهای درون‌زا نشان دهنده ضریب تبیین یا  $R^2$  می‌باشد که

1. Partial Least Squares
2. Missing data
3. Path coefficients

نشان می‌دهد چه میزان از متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد. ضرایب مسیر مدل پژوهش در شکل ۲ و جدول ۴ ارائه شده است.



شکل ۲- مقادیر ضریب مسیر (تخمین ضرایب استاندارد) مدل نهایی پژوهش

#### جدول ۴. نتایج ضرایب مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	متغیر واسطه	متغیر ملاک	ضریب مسیر	آماره t	معناداری
رابطه مادر- دختر	ارزش‌های شخصی	خویش‌داری جنسی	-۰/۰۰۸	۰/۲۱	۰/۸۹
اخلاق			-۰/۱۵	۱/۹۸	۰/۰۴۴
هوش معنوی			-۰/۱۳	۱/۶۴	۰/۰۸۶
ارزش‌های شخصی	--		-۰/۳۲	۲/۸۵	۰/۰۰۱
رابطه مادر- دختر	--		-۰/۲۵	۲/۴۶	۰/۰۲۱
اخلاق	--		-۰/۲۸	۲/۵۳	۰/۰۱۴
هوش معنوی	--		-۰/۱۴	۱/۷۹	۰/۰۷۱

بر اساس شکل ۲ و جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که رابطه غیرمستقیم اخلاق با خویش‌داری جنسی با میانجی‌گری ارزش‌های شخصی معنادار است ( $P < 0/05$ ;  $\beta = -0/15$ )؛ اما رابطه غیرمستقیم هوش معنوی و رابطه مادر- دختر با خویش‌داری جنسی با میانجی‌گری ارزش‌های شخصی معنادار نیست. همچنین رابطه مستقیم اخلاق ( $P < 0/05$ ;  $\beta = -0/285$ )، رابطه مادر- دختر ( $P < 0/05$ ;  $\beta = -0/250$ ) و رابطه ارزش‌های شخصی ( $P < 0/05$ ;  $\beta = -0/321$ ) با خویش‌داری جنسی معنادار است ( $P < 0/05$ ). با این حال، رابطه هوش معنوی با خویش‌داری جنسی معنادار نیست.

#### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ارزش‌های شخصی در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی بر اساس رابطه مادر- دختر، اخلاق اسلامی و هوش معنوی انجام شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد متغیر اخلاق اسلامی با واسطه نقش ارزش‌های شخصی می‌تواند خویش‌داری جنسی را پیش‌بینی کند. پژوهشی در زمینه همخوانی و یا عدم همخوانی با یافته‌های این پژوهش به دست نیامد. یکی از اصول مهم در بحث اخلاق و آموزه‌های اخلاقی تأکید بر ارزش‌هاست. در آموزش‌های اخلاقی به ارزش‌ها تأکید زیادی می‌شود. در واقع رفتارهای اخلاقی، رفتارهایی است که ارزشمند محسوب می‌شود و بدین طریق ارزش‌ها واسطه‌ای برای

اخلاق محسوب می‌شوند. موضوع اخلاق اسلامی، شناسایی فضایل و رذایل اخلاقی است و تلاش دارد صورت باطنی انسان را زیبا و جذاب و آن را اصلاح کند. در مرتبه پس از اخلاق، «سیر و سلوک» قرار دارد که راهکارهای لازم برای رسیدن به فضایل و دور شدن از زشتی‌های اخلاقی را ارائه می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد، اخلاق، به واسطه آموزش ارزش‌های انسانی که جنبه فطری و جهان‌شمول دارد و در قالب فضایل اخلاقی مطرح می‌شود، منجر به ایجاد روش‌های رفتاری برای رسیدن به فضایل اخلاقی و انجام رفتارهای اخلاقی می‌شود که یکی از نمونه‌های رفتار اخلاقی، خویش‌داری جنسی است. رفتارهای جنسی که افراد در برخی موارد تا قبل از ازدواج و در برخی موارد تا آخر عمر نباید درگیر آن شوند و به عبارت دیگر باید کنترل بر روی آن رفتارها داشته باشند، همگی رفتارهایی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، دینی، اجتماعی و فرهنگی است. آنچه در این پژوهش مشخص شده این است که به نظر می‌رسد اخلاق سرمنشأ ایجاد ارزش‌های شخصی است. بنابراین وجود ارزش‌ها می‌تواند به خویش‌داری جنسی کمک کند.

همچنین هوش معنوی از طریق ارزش‌ها نمی‌تواند بر پیش‌بینی خویش‌داری جنسی تأثیرگذار باشد. به نظر می‌رسد بین هوش معنوی و ارزش‌های شخصی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، اما یافته‌های این پژوهش نشان دادند که ارزش‌های شخصی نقش واسطه‌ای در رابطه با هوش معنوی و خویش‌داری جنسی ندارند. در زندگی فرد نوجوان حتی اگر ارزش‌ها حضور داشته و یا تعلیم داده شده باشند و فرد از هوش معنوی خوبی نیز برخوردار باشد، سن نوجوانی سنی بحرانی است و با هویت‌یابی، تغییرات فیزیولوژیکی، کنجکاوی و کشف موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، استقلال و هیجانات عاطفی همراه است. گرچه نوجوانان از والدین خود آموخته‌اند که باید انگیزه‌های خود را فرو نشانند، با این حال جوشش‌های سرکوب شده به‌سادگی ناپدید نمی‌شوند و ممکن است از راه‌های دیگری نمایان شوند، به‌گونه‌ای که حتی نه تنها ارزش‌ها و باورها، بلکه عوامل معنوی نیز نمی‌توانند عامل بازدارنده‌ای در برابر انجام رفتارهای ضد معنوی مثل رفتارهای جنسی غیر خویش‌داری باشند. متغیرهای زیاد دیگری همچون همسالان، تغییرات ارزشی جامعه از سنتی به مدرن،

آشنایی با سبک‌های زندگی جدید و تغییرات بین فرهنگی، جهانی شدن، فردگرایی در جامعه کنونی و خصوصاً گسترده‌گی شبکه‌های ارتباطی و امکان دسترسی به سایت‌ها و اطلاعات نامناسب عواملی هستند که باعث می‌شوند ارزش‌ها واسطه هوش معنوی با خویش‌داری جنسی نباشند؛ و مهم‌تر این‌که با وجود آموزش ارزش‌ها و باورها و آگاهی نوجوانان به معنویات، چگونگی کاربرد آن آموزش داده نشده است. یعنی فقط صرف اطلاع از آموزه‌های معنوی مطرح نیست، بلکه چگونگی کاربرد این موضوعات در زندگی نوجوانان اهمیت بسیاری دارد. لذا ارزش‌ها نمی‌توانند واسطه هوش معنوی بر خویش‌داری جنسی باشند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد ارزش‌های شخصی نقش واسطه‌ای در پیش‌بینی خویش‌داری جنسی بر اساس رابطه مادر-دختر ندارند. این یافته با پژوهش لوکر و مگی (۲۰۰۰) ناهمخوان است. اما در تبیین این‌که چرا ارزش‌ها نقش واسطه‌ای در رابطه مادر-دختر با خویش‌داری جنسی ندارند و حتی اگر پدر و مادر به ارزش‌ها اهمیت داده و به فرزندان خود آموزش دهند، این آموزش منجر به خویش‌داری جنسی نمی‌شود، احتمالاً متغیرهای دیگری بر این رابطه تأثیرگذار هستند. به نظر می‌رسد یکی از این متغیرها که احتمالاً یکی از مهم‌ترین علت‌های ممکن است، سبک فرزندپروری والدین باشد. به‌عنوان مثال والدین مستبد حتی با وجود آموزش سخت‌گیرانه ارزش‌های شخصی، نوجوان را تبدیل به یک فرد بی‌مهارت می‌کنند و امکان خودکنترلی را از وی سلب می‌کنند. یا می‌توان به سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه اشاره نمود که والد به ارزش‌ها اعتقاد دارد ولی نسبت به فرزندان آسان‌گیر است. بنابراین، در دسترس نبودن والدین، حمایت کم و عدم نظارت بر فعالیت‌ها و رفتارهای نوجوان گرایش او را به رفتارهای پرخطر جنسی بیشتر می‌کند. همچنین آنچه در سن کودکی و نوجوانی هدایت‌کننده و کنترل‌کننده رفتار کودک و نوجوان است، عمدتاً کنترل‌های بیرونی است تا کنترل‌های درونی، بدین معنی که اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌هایی که توسط والدین و اجتماع بر روی رفتارهای کودک و نوجوان انجام می‌شود، مؤثرتر از اعمال کنترل‌های درونی مثل کنترل رفتار به واسطه ارزش‌های شخصی است. لذا به نظر می‌رسد ارزش‌ها نمی‌توانند واسطه رابطه

مادر- دختر و خویشتن‌داری جنسی باشند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین ارزش‌های شخصی و خویشتن‌داری جنسی وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های ما و همکاران (۲۰۱۴)، میدلتون و همکاران (۲۰۱۳) و باهی و همکاران (۲۰۱۱) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت ارزش‌های شخصی فرد آن‌قدر قوی هستند که تعیین‌کننده نوع انتخاب او در گزینش رفتار خویشتن‌داری جنسی شده است؛ زیرا ارزش‌ها باعث می‌شوند افراد نیازها و خواسته‌های خود را سازمان‌دهی و تنظیم کنند و در تصمیم‌گیری و حل دوگانگی در موقعیت به کار ببرند. اعتقاد به ارزش‌ها در فرد پابندی او را در انجام اعمال بد و رفتار ناپسند توجیه می‌کند و مانعی برای انجام آن‌ها می‌شود. به‌طور کلی ارزش‌ها در زندگی افراد باعث جلوگیری از انحرافات اجتماعی در جامعه می‌شوند و در نهایت ارزش‌ها در زندگی موجب سلامت جسمی و روانی در فرد می‌شوند و او را از خطرات دور می‌سازند.

از سوی دیگر، همان‌گونه که گفته شد ارزش‌ها و فضایل دینی همچون صبر، حیا و بالاتر از همه تقوا، در نتیجه خودمهارگری به وجود می‌آیند. بنابراین وجود چنین ارزش‌های دینی در فرد و تلاش برای تحقق آن‌ها در زندگی نیازمند تلاش فرد در جهت خودمهارگری خصوصاً خویشتن‌داری جنسی در دوره نوجوانی است. از این رو، ارزش‌ها می‌توانند منجر به خویشتن‌داری جنسی شوند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین ارتباط مادر- دختر و خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی به‌طور مستقیم رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های رامچندانی و همکاران (۲۰۱۸)، اونایلی (۲۰۱۰) و مرعشیان (۱۳۹۰) همسو است. مادران مراقبان اصلی فرزندان بوده و صرف‌نظر از وضعیت شغلی وقت بیشتری را با کودکان خود سپری می‌کنند. بر همین اساس وجود رابطه عمیق و دوستانه مادر با دختر همواره باعث نزدیکی و صمیمیت بین آن‌ها شده و می‌تواند تأثیرگذارترین رابطه در تمام زندگی یک دختر باشد و تمامی روابط او با دیگران حتی رابطه با همسرش را تحت تأثیر قرار دهد. رابطه بین مادر و دختر هم‌زمان با رشد دختر متحول می‌شود و مادر بلوغ، نوجوانی، جوانی و تبدیل‌شدن دختر خود را به



یک زن مستقل تجربه می‌کند و در نتیجه با توجه به رابطه نزدیک بین آن‌ها دختران جهت پذیرش نقش‌های خود با الگوپذیری از مادر آماده می‌شوند. همچنین مادر به دلیل هم‌جنس بودن با دختر خود نیازها و احساسات هم‌جنس خود را بهتر می‌شناسد. بر همین اساس نقش مادر در رفتارهای جنسی پرخطر برای فرزندان دختر یک نقش مهم و اساسی است. ارتباط یا گفت‌و شنود درباره مسائل جنسی بین والدین و فرزند، بخصوص مادر و دختر بسیار ضروری و تأثیر به‌سزایی در آموزش او دارد. هنگامی که نوجوان درباره مسائل جنسی با والدین صحبت می‌کند، والدین می‌توانند پیام‌های خویش را درباره مسائل جنسی به نوجوان انتقال دهند. همچنین یکی از مکانیسم‌های تأثیرگذار والدین در رفتار کودکان و نوجوانان فرآیند همانندسازی است. در واقع همانندسازی فرآیندی است که کودک و نوجوان سعی می‌کند خود را با توجه به جنسیت خود همانند کند. مادری که خود الگویی از رفتارهای مطلوب اجتماعی باشد، می‌تواند نمونه بارزی برای نوجوان خود باشد. علاوه بر این تجارب و ادراکات مادر بر دیدگاه‌های دختران اثر می‌گذارند و یک دختر احساسات، پرورش، شفقت و امنیت را با مادرش تجربه می‌کند. این امنیت و دل‌بستگی در چهارچوب نظریه بالبی، ارتباطی مثبت و بادوام و امن با مراقبان اصلی تعریف می‌شود. رفتار دل‌بستگی تعیین‌کننده عملکرد اجتماعی فرد است و نوع ارتباط با دیگر افراد را در یک رابطه متقابل تعیین می‌کند. رابطه‌ای که نقش پیشگیرانه در بسیاری از آسیب‌ها و اختلالات آتی به عهده دارد و می‌تواند او را در عملکردی خویش‌داری دارنده کمک کند.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد بین اخلاق و خویش‌داری جنسی به‌طور مستقیم رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش غنی و همکاران (۲۰۱۴) همخوان است. اعتقاد به بایدها و نبایدها و به عبارتی اخلاقیات در انسان باعث ایجاد مراقبت از خود و مانع از تصمیم‌گیری عجولانه و با تردید در فرد می‌شود. افرادی که وجدان اخلاقی بالایی دارند همواره به علت وفاداری به اعتقادات دینی و قوانین عرفی قدرت مقاومت بیشتری در برابر انحرافات جنسی و دیگر خطاها دارند. بنابراین فردی که معتقد به ارزش‌های اخلاقی باشد، خویش‌داری جنسی در او آسان‌تر است. بر اساس نظریه هوفمان، در بسیاری از موقعیت‌ها، نه تنها یک ارزش اخلاقی مطرح

می‌شود، بلکه هم‌زمان با آن یک انگیزه مخالف دیگر نیز مطرح می‌شود که در جهت انجام یک عمل خودخواهانه بر مبنای نیاز فرد است. از این رو قاطعیت یک ارزش اخلاقی مستلزم درگیر شدن آن با یک خواست خودخواهانه و ایجاد یک موقعیت تعارضی است. هنجار یا ارزش اخلاقی باید خود نیز دارای نیرو و کششی باشد تا بتواند با خواست مغایر مقابله کرده و انجام عمل مورد انتظار را تضمین کند.

براساس آموزه‌های اسلامی نیز فضایل اخلاقی که در رأس آن «تقوا» قرار می‌گیرد، می‌تواند بر کنترل رفتارهای انسان تأثیرگذار باشد. یکی از مفاهیم کلیدی در علم اخلاق، «تقوا» است. «تقوا» نیرویی درونی است که فرد دارای آن، از خود در برابر مخالفت با دستورات الهی محافظت می‌کند. در نتیجه این ملکه نفسانی، انسان با تقوا خود را ملزم می‌داند طبق اوامر و نواهی الهی گام برداشته و آنچه را مخالف عبودیت حق تعالی است، انجام ندهد. در نتیجه «تقوا» عامل افزایش کنترل‌های درونی فرد خصوصاً در زمینه کنترل میل جنسی شده و نتیجه عملی آن خویشن‌داری جنسی خواهد بود.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی و خویشن‌داری جنسی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی رابطه مستقیم معنادار وجود ندارد. این یافته با پژوهش‌های هولدر و همکاران (۲۰۰۰) و عابدینی (۱۳۸۸) ناهم‌سوست. شکاف نسلی، فرهنگی که در جامعه امروز به وجود آمده باعث فردگرایی نوجوانان و جوانان امروز و ایجاد دیدگاهی سهل‌انگارانه‌تر و آزادتر از گذشته نسبت به این روابط شده است. رواج اندیشه اگزیستانسیالیسم در جامعه کنونی، انسان‌ها را آزاد گذاشته تا به آنچه تمایل دارند برسند. قبول نداشتن و یا عدم اطلاع از مؤلفه‌های هوش معنوی، بلوغ زودرس در نوجوانان و تمایل شدید به ارضای غریزه جنسی با وجود داشتن هوش معنوی، عدم وجود تسهیلات و شرایط لازم در امر ازدواج در جوانان و نوجوانان امروز، عدم تعهد و احساس مسئولیت آنان برای ازدواج، افزایش آمار طلاق در جامعه و رضایت هر دو جنس در برقراری رابطه از عواملی هستند که مانع از خویشن‌داری جنسی در جامعه امروز می‌باشند.

این پژوهش بر روی دختران انجام گرفته است و از آنجا که جنسیت می‌تواند

از عوامل تعیین‌کننده خویش‌داری جنسی به شمار رود، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در بین نوجوانان پسر نیز انجام شود و از این طریق مقایسه‌ای بین میزان و عوامل تأثیرگذار بر خویش‌داری جنسی در هر دو جنس صورت گیرد. در زمینه ارزیابی اخلاق اسلامی این پژوهش با محدودیت وجود ابزار سنجشی که متناسب با ارزش‌های خاص اسلامی تهیه شده باشد، مواجه بود. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در جهت ساخت چنین ابزارهایی تلاش کنند.

با توجه به فقدان پژوهش‌های مدل‌یابی خویش‌داری جنسی در ایران، خصوصاً مدل‌های اسلامی، پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران اقدام به مدل‌سازی خویش‌داری جنسی بر اساس آموزه‌های اسلامی من جمله معارف و احکام اسلامی کنند. همان‌گونه که در تبیین‌ها اشاره شد، به نظر می‌رسد یکی از متغیرهایی که می‌تواند در مدل این پژوهش نقش واسطه‌ای داشته باشد، سبک‌های فرزندپروری والدین است. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به آزمون مدل‌های علی خویش‌داری جنسی بر اساس این متغیر بپردازند. از سوی دیگر، به واسطه شناسایی برخی از عوامل مؤثر بر خویش‌داری جنسی در این پژوهش، نتایج به‌دست آمده می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد بسته آموزشی خویش‌داری جنسی و گنجاندن این بسته آموزشی در محتوای آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان مانند آموزش مهارت‌های زندگی نوجوانی یا تدوین سبک زندگی اسلامی در دوره نوجوانی شود. علاوه بر این، با توجه به رابطه متغیرهای ارتباط والد-فرزند، اخلاق اسلامی، هوش معنوی و ارزش‌های شخصی با خویش‌داری جنسی، به متخصصان تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌های آموزشی خود، تقویت این مفاهیم در دانش‌آموزان را مد نظر قرار دهند.

## منابع

- قرآن کریم. (۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- احمدی، ملیحه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزند‌پروری و نگرش به تربیت جنسی والدین با خودکنترلی جنسی و رفتارهای پرخطر نوجوانان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور اصفهان.
- السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۱ق). *الجامعه الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*. بیروت: دارالفکر.
- الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). اخلاقیات و مدیریت به سوی نظام اخلاقیات یکپارچه در سازمان. فصل‌نامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۱(۴۲)، ۱-۱۲.
- الهندی، علی‌المتقی بن حسام‌الدین. (۱۳۹۷ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- ایزدآبادی، بهروز. (۱۳۹۵). بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با خویش‌داری جنسی در دانشجویان مجرد. *مجله روانشناسی اجتماعی*، ۱۱(۴۱)، ۱-۱۲.
- پرهیزگار، آذردهخت؛ محمودنیا، علیرضا و محمدی، شهناز. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد - فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. *نشریه روانشناسی کاربردی*، ۳(۲)، ۸۲-۹۳.
- پسندیده، عباس. (۱۳۸۸). *اخلاق پژوهی حدیثی*. تهران: سمت.
- ثابت، حافظ. (۱۳۸۲). تربیت جنسی. *ماهنامه معرفت*، ۱۲(۶)، ۱۰۱-۱۰۵.
- جامعی‌ندوشن، فاطمه و ایزدی، مهشید. (۱۳۹۵). بررسی نقش‌گرایی به اقامه نماز و هوش معنوی بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی منطقه ۷ شهر تهران. *فصل‌نامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۲)، ۵۳-۷۴.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم، مراحل اخلاق در قرآن. تنظیم و ویرایش علی‌اسلامی. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۸۵). مفهوم فلسفی ارزش و ارزش‌شناسی. *نامه فرهنگ*، ۳۱(۳)، ۵۸-۶۵.
- خرمای، فرهاد و زارعی‌منوجان، نسیم. (۱۳۹۵). روابط بین دختران و پسران ازدیدگاه دختران نوجوان: پژوهش کیفی. *دوفصل‌نامه مشاوره کاربردی*، ۶(۲)، ۸۹-۱۰۶.
- دلخمش، محمدتقی. (۱۳۸۵). سلسله مراتب ارزشی دانشجویان ایرانی. *فصل‌نامه روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*، ۲(۸)، ۲۹۹-۳۱۸.
- دلخمش، محمدتقی و احمدی مبارکه، مهرناز. (۱۳۹۱). ویژگی‌های مختص به فرهنگ در ارزش‌های ایرانیان: بررسی در سه نمونه از سه نسل. *فصل‌نامه روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*، ۹(۳۴)، ۱۰۷-۱۲۷.
- رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۲). اسلام، اخلاق و خودمهارگری روانشناختی. *فصل‌نامه تخصصی اخلاق و حیوانی*، ۱(۳)، ۱۴۷-۱۷۱.
- رقیب، مائده سادات؛ سیادت، سیدعلی؛ حکیمی‌نیا، بهزاد و احمدی، سیدجعفر. (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI-24) در دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۱۷(۱)، ۱۴۱-۱۶۴.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان.
- شریفی‌نیا، محمدحسین. (۱۳۹۲). *الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صابرمجیدی، گلاره. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مهارت‌های خویش‌داری بر کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش خودکنترلی دانشجویان سازمان بهزیستی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- صدیقیان، مریم؛ بابازاده، توحید؛ اصغری جعفرآبادی، محمد و الهوردی پور، حمید. (۱۳۹۶). مقایسه تعیین‌کننده‌های شناختی - رفتاری رفتارهای پرخطر جنسی در جوانان: کاربرد مدل Prototype Willingness. *کوشش*، ۱۹(۳)، ۵۳۳-۵۴۲.
- عابدینی، نصیر. (۱۳۸۸). *اتریشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر افزایش خویش‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، رشته روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غباری‌بناب، باقر؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۴). ساخت مقیاس تجربه معنوی دانشجویان. *مجله روانشناسی*، ۹(۳)، ۲۶۱-۲۷۸.

فرانکن، ویلیام کی. (۱۳۸۳). *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی. قم: انتشارات کتاب طه. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۱).

فرزند وحی، جمال؛ موسوی، سیدمحمد و فتاحی، امین. (۱۳۹۱). راهکارهای جلوگیری از انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات. *پژوهش نامه معارف قرآنی* ۳(۱۱)، ۵۶-۳۵.

قاسمی، وحید. (۱۳۹۰). برآورد حجم بهینه نمونه در مدل‌های معادله ساختاری و ارزیابی کفایت آن برای پژوهشگران اجتماعی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۲(۴)، ۱۶۱-۱۳۸.

گلزاری، محمود. (۱۳۷۹). تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دین‌داری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی. رساله دکتری. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، رشته روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

گل محمدیان، محسن؛ نیمی، ابراهیم و چوپانی، موسی. (۱۳۹۴). اثربخشی استماع آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور. *دوفصل‌نامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، ۶(۱)، ۹۹-۱۰۹.

محدث نوری، میرزاحسین. (۱۴۰۷). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).

مرعشیان، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی نقش زنان به عنوان مادران خانواده در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر نوجوانان. *فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۲(۷)، ۱۰۹-۱۲۲.

مشیری، مهشید. (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی، الفبایی-قیاسی* (چاپ اول). تهران: انتشارات پیکان.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. (۱۳۸۹). *جستارهایی در فلسفه علوم انسانی از دیدگاه حضرت علامه آیت‌الله مصباح یزدی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نورعلیزاده میانجی، مسعود. (۱۳۸۸). مدل اسلامی «مصون‌سازی» رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی. *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۳(۵)، ۱۰۷-۱۴۲.

Amram, J. Y. (2009). *The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*. Doctoral dissertation. Palo Alto: Institute of Transpersonal Psychology.

Bhat, S. A., & Naikoo, B. A. (2016). Modernization in relation to value orientation of college going students: A study of Kashmir valley. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 7(4), 446-448.

Buhi, E. R., Goodson, P., Neilands, T. B., & Blunt, H. (2011). Adolescent sexual abstinence: A test of an integrative theoretical framework. *Health Education & Behavior*, 38(1), 63-79.

Doswell, W. M., Kouyate, M., & Taylor, J. (2003). The role of spirituality in preventing early sexual behavior. *American Journal of Health Studies*, 18(4), 195-202.

Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703-713.

Ghani, S. A., Abdullah, S., Syed Akil, S. M., & Nordin, N. (2014). Muslim adolescents moral value and coping strategy among Muslim female adolescent involved in premarital sex. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 227-443.

Glaz, S. (2012). Terminal values and meaning in life among university students with varied levels of altruism in the present period of socio-cultural change. *Journal for Perspectives of Economic, Political and Social integration*, 18(1/2), 215-237.

Haidt, J., & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social Justice Research*, 20(1), 98-116.

Holder, D. W., DuRant, R. H., Harris, T. L., Daniel, J. H., Obeidallah, D., & Goodman, E. (2000). The association between adolescent spirituality and voluntary sexual activity. *Journal of Adolescent Health*, 26(4), 295-302.

Jemmott, J. B., Jemmott, L. S., & Fong, G. T. (1998). Abstinence and safer sex HIV risk-reduction interventions for African American adolescents: A randomized controlled trial. *JAMA*, 279(19), 1529-1536.

King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*. Unpublished master's thesis. Ontario Canada: Trent University.

Long-Middleton, E. R., Burke, P. J., Lawrence, C. A., Blanchard, L. B., Amudala, N. H., & Rankin, S. H. (2013). Understanding motivations for abstinence among adolescent young women: Insights into effective sexual risk reduction strategies. *Journal of Pediatric Health Care*, 27(5), 342-350.

- Looker, E. D., & Magee, P. A. (2000). Gender and work: The occupational expectations of young women and men in the 1990s. *Gender Issues, 18*(2), 74-88.
- Ma, M., Malcolm, L. R., Diaz-Albertini, K., Klinoff, V. A., Leeder, E., Barrientos, S., & Kibler, J. L. (2014). Latino cultural values as protective factors against sexual risks among adolescents. *Journal of Adolescence, 37*(8), 1215-1225.
- Onayli, S. (2010). *The relation between mother-daughter relationship and daughter's well-being*. MSc. thesis, Middle East Technical University.
- Orwig, S. F. (2002). Business ethics and the protestant spirit: How Norman Vincent Peale shaped the religious values of American business leaders. *Journal of Business Ethics, 38*(1/2), 81-89.
- Ramchandani, K., Morrison, P., Gold, M. A., & Akers, A.Y. (2018). Messages about abstinence, delaying sexual debut and sexual decision-making in conversations between mothers and young adolescents. *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology, 31*(2), 107-115.
- Schmitt, M. J., Schwartz, S. H., Steyer, R., & Schmitt, T. (1993). Measurement models for the Schwartz Values Inventory. *European Journal of Psychological Assessment, 9*(2), 107-121.
- Schwartz, S. (2006). Basic human values: Theory, measurement, and applications. *Revue Française de Sociologie, 47*(4), 929-968.
- Shapiro, A., & Cooney, T. M. (2007). Divorce and intergenerational relations across the life course. In T.J. Owens, & J.J. Suiitor (Eds.), *Advances in life course research: Vol 12, Interpersonal relations across the life course* (pp. 191-219). New York: Elsevier.
- Sisk, D. (2002). Spiritual intelligence: The tenth intelligence that integrates all other intelligences. *Gifted Education International, 16*(3), 208-213.
- World Health Organization. (2018). *Adolescent pregnancy*. Geneva: WHO. Available at: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/adolescent-pregnancy>
- Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی